

بررسی فعالیت‌های خیریه جامعه روحانیت مبارز تهران در پیشبرد انقلاب اسلامی

علیرضا ملائی توانی

دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

mollaiynet@yahoo.com

الهام رجایی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

e.rajaee@gmail.com



چکیده

انقلاب اسلامی ایران از آن جایی که یک حرکت مردمی و دینی بود، از ابتدای امر، تحت حمایت‌های اقشار مذهبی جامعه قرار گرفت. «جامعه روحانیت مبارز تهران» که به اختصار «جامعه روحانیت مبارز» گفته می‌شود، نهادی دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که به عنوان تنها تشکل سیاسی علما در ایران پیش از انقلاب شکل گرفت. این تشکل از جمله گروه‌های مبارزی بود که افزون بر فعالیت‌های سیاسی، به یک رشته فعالیت‌های خیریه نیز در سطح کشور روی آورد. این مقاله قصد دارد به همین جنبه از فعالیت‌های جامعه روحانیت تمرکز کند و آثار آن را در روند پیروزی انقلاب نشان دهد. تجلیات این حرکت را می‌توان در فعالیت‌هایی نظیر جمع‌آوری پول برای کمک‌رسانی به زندانیان سیاسی و اعتصابیون، راه‌اندازی کتابخانه و کمک به فقرا و محرومین جامعه نشان داد. این مقاله با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اصلی (کتاب و اسناد) و انجام مصاحبه با شخصیت‌های تأثیرگذار، می‌کوشد به بررسی فعالیت‌های خیریه جامعه روحانیت مبارز در پیشبرد نهضت اسلامی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: جامعه روحانیت مبارز، نهضت اسلامی، کمک‌رسانی، انقلاب اسلامی.

مقدمه

پیش از وقوع قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، روحانیون، اکثر بیانیه‌ها و اعلامیه‌های مشترک خود را تحت عناوینی نظیر «جامعه روحانیت»، «مجمع روحانیون»، «جمعی از روحانیون»، «جامعه اهل منبر»، «جمعی از علما»، و «علما و روحانیون»، صادر می‌کردند که در آن‌ها اشاره‌ای به نام امام خمینی نمی‌شد (کردی، ۱۳۸۶: ۴۲). بعد از قیام پانزده خرداد، امام خمینی در کانون مطالبات قرار گرفت و آن‌ها به این نتیجه رسیدند که عدم حصول به نتیجه مطلوب در این قیام، ناشی از فقدان تشکیلات منسجم و رهبری بوده است؛ بنابراین پیروی از امام خمینی به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت مبارزات روحانیون، شناخته شد. دو عامل یعنی تبعیت کامل از امام، و قرار داشتن برخی از طرفداران ایشان در رده فضا و مدرسین حوزه‌ها، باعث گردید تا رهبری انقلاب - هر چند که در ظاهر، فاقد یک حزب و تشکیلات منسجم بود - اما در عمل و در سطح کشور، شبکه‌ای از طرفداران را در اختیار داشت تا همچون سازمانی نیرومند و متشکل، قادر باشد گردونه انقلاب را به حرکت درآورد (زبیاکلام، ۱۳۸۸: ۲۸۸).

مبارزات برخی از روحانیان با رژیم شاه منجر به شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد گردید، و فصلی جدید در روابط میان روحانیت و حکومت پدید آورد. بعد از قیام مزبور و در طول مدت چند ماه که امام در قیصریه سکونت نمودند، گروهی متشکل از یازده نفر از روحانیون شکل گرفت که اسامی آن‌ها بدین قرار است: سیدعلی خامنه‌ای، حسینعلی منتظری، ربانی شیرازی، علی قدوسی، مصباح یزدی، ابراهیم امینی، محمد خامنه‌ای، احمد آذری قمی، علی مشکینی، حائری و علی اکبر هاشمی رفسنجانی (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۵).

روحانیت شیعه از دیرباز به دلیل اختیار برخورداری از دارایی‌هایی نظیر خمس و زکات و حق استفاده از آن‌ها در مواردی که خود صلاح بداند، از لحاظ مالی، وضعیت نسبتاً خوبی داشت و از استقلال مالی برخوردار بود. روحانیون این اختیار را داشتند تا در مواقعی خاص از این پول‌ها استفاده کنند. یکی از مهم‌ترین موارد استفاده از این دارایی‌ها، رسیدگی به وضعیت معاش فقرا بود. روحانیون شیعه در اکثر مواقع با تشکیل شبکه‌ای از روحانیون و کمک بازاریان متدین، سعی نمودند تا به این مهم بپردازند. شایان ذکر است تا پیش از قیام ۱۵ خرداد که روحانیت، هنوز به طور کامل و عملی وارد سیاست نشده بود، از منابع مالی پیش‌گفته برای خدمات عام‌المنفعه، رسیدگی به فقرا و... استفاده می‌کرد، ولی بعد از قیام ۱۵ خرداد که حکومت در

مقابله با اسلام و روحانیت قرار گرفت و اکثر علما و روحانیون نیز وارد مبارزه با سیاست‌های نوگرایانه شاه گردیدند، از این منابع در دسترس برای اهداف مبارزاتی خود استفاده کردند. از دههٔ چهل به این سو با توجه به مبارزات روز افزون گروه‌های مختلف سیاسی در کشور، به تدریج بر تعداد زندانیان سیاسی افزوده شد. در همین راستا، روحانیت مبارز برای ایجاد دلگرمی و در صحنه نگه داشتن مبارزان مزبور، می‌بایست اقداماتی انجام می‌داد تا آن‌ها همچنان در صف انقلابیون باقی بمانند؛ یکی از این اقدام‌ها، کمک مالی به خانواده‌های آن‌ها بود. با توجه به آن‌چه گفته شد، این پژوهش قصد دارد به چگونگی کمک‌رسانی و مساعدت به انقلابیون توسط جامعهٔ روحانیت مبارز بپردازد. لازم به ذکر است تا کنون دربارهٔ این موضوع، مطالعهٔ مستقلی صورت نگرفته است.

تشکیل جامعهٔ روحانیت مبارز

دربارهٔ نقطهٔ آغازین تشکیل جامعهٔ روحانیت مبارز، نمی‌توان به درستی اظهار نظر کرد، زیرا هستهٔ اولیهٔ آن از تجمع عده‌ای روحانی شکل گرفت که ابتدا فقط گرد هم آمدند، اما اهداف اصلی و اساسی خود را صراحتاً بیان نمی‌کردند، و به همین دلیل تا قبل از سال ۱۳۵۷، آن‌ها از هیچ اساسنامه‌ای برخوردار نبودند و فعالیت‌های‌شان کاملاً مخفی بود. در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۶ و با باز شدن فضای سیاسی، این امکان به وجود آمد تا آن‌ها جلسات‌شان را اندکی آشکار نمایند و به تدریج به معرفی خود - البته به طور غیرمحسوس - بپردازند. این اقدام باعث توجه ساواک به گروه مذکور شد و به بررسی اقدامات و برنامه‌های آن‌ها در آستانهٔ فضای باز سیاسی پرداخت (نیکبخت، ۱۳۸۴: ۲۰۱)، و پس از پی بردن به قدرت و اهمیت روزافزون آن‌ها، اقدامات‌شان را زیر نظر گرفت (نیکبخت، ۱۳۸۴: ۲۰۲).

روحانیت مبارز، کم‌کم فعالیت خود را به طور رسمی شروع کرد. جلسات آن‌ها با حضور نه نفر عضو ثابت و دو سه نفر عضو غیر ثابت تشکیل می‌شد. تعداد این اعضا تا سال ۱۳۵۶ به پانزده نفر رسید (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). دو سه نفر هم به عنوان مشاور عالی دعوت شده بودند که مرتضی مطهری، سیدمحمد بهشتی و علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی از جملهٔ آن‌ها بودند (خاطرات شهید محلاتی، ۱۳۷۶: ۹۳). در سال ۱۳۵۷، برای اولین بار، اساسنامهٔ جامعهٔ روحانیت تنظیم شد و به تصویب اعضا رسید. طبق اساسنامهٔ مزبور که توسط محمد مفتاح تنظیم شده بود (نیکبخت،

۱۳۸۴: ۲۰۶)، و بعدها تجدید نظرهایی در آن اعمال گردید، اهداف جامعه به قرار زیر اعلام شده بود:

- سازماندهی روحانیت شیعه، رشد و اعتلای آن؛
 - تحکیم مبانی انقلاب اسلامی و دفاع همه جانبه از دستاوردهای آن و تقویت نظام اسلامی؛
 - حمایت همه جانبه از اندیشه‌های فرهنگی - سیاسی امام و اصل مترقی ولایت فقیه؛
 - گسترش فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی؛
 - ارشاد اقشار مختلف مردم و گروه‌های فعال سیاسی - اجتماعی از طریق تبیین وظایف شرعی؛
 - نظارت بر عملکرد مسئولین نظام و نقد دلسوزانه آنان در جهت تحقق اصل النصیحة الائمة المسلمین؛
 - ارتباط با روحانیت سایر مذاهب اسلام و همکاری با کلیه مراکز اسلامی در جهت تحقق اهداف دینی؛
 - تعامل مثبت و سازنده با ادیان الهی در جهت کاهش آلام جهانی و تحقق صلح؛
 - تأسیس مؤسسات عام‌المنفعه و... (www.rohaniatmobarez.com).
- همان‌طور که پیشتر ذکر شد، جلسات روحانیون مبارز در ابتدای امر با برنامه‌ای مشخص و جامع تشکیل نمی‌شد. در اصل، این گعده‌ها، تاکتیکی بود که شهید مطهری اتخاذ نمود (خاطرات علی اکبر ناطق نوری، ۱۳۸۲: ۱۱۱/۱).
- مؤسسین و اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در ابتدای امر عبارت بودند از علی اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدمحمد حسینی بهشتی، مرتضی مطهری، محمدجواد باهنر، محمدرضا مهدوی کنی، محمد مفتح، شاه‌آبادی، فضل‌الله محلاتی، سیدهادی خسروشاهی، ملکی، عباسعلی عمید زنجانی، محمدرضا موحدی کرمانی، علی اکبر ناطق نوری، مهدی کروبی و علی اکبر موسوی خوئینی‌ها (زیباکلام، ۱۳۸۸: ۲۸۹).
- جامعه روحانیت مبارز برای تبادل نظر در مورد بسیاری از فعالیت‌های سیاسی خود، به طور هفتگی و بیشتر در روزهای پنج‌شنبه و گاهی نیز در اواسط هفته، جلساتی را به نوبت در منزل یکی از اعضا برگزار می‌نمود (روحانی، ۱۳۷۸: ۶۸۰/۲). شایان ذکر است یکی از مهم‌ترین

مواردی که در اساسنامهٔ جامعهٔ روحانیت مبارز بدان اشاره شد، کمک‌های مادی به اعضا و مبارزین و انجام خدمات عام‌المنفعه بود که در این نوشتار بدان فعالیت‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. کمک‌رسانی جامعهٔ روحانیت مبارز به مبارزین و محرومین

جامعهٔ روحانیت مبارز برای رسیدن به اهدافی که در اساسنامه مطرح شده بود، اقدام به تشکیل صندوق قرض‌الحسنه (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۳/۲: ۹۹۳). شناسایی مبارزان زندانی و کمک به خانوادهٔ آن‌ها و تعیین مبلغ ماهانهٔ پرداختی از سوی روحانیون، تشکیل جلسه برای کمک به مبارزان طرفدار امام خمینی (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۰/۲: ۷۷)، کمک به محرومین (مراسان، شمارهٔ بازیابی ۱۱۰۴، شمارهٔ صفحه ۷۲) و کمک به مبارزین فلسطینی (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۳۶۲/۲) نمود، و به همین دلیل، بخشی از فعالیت خود را معطوف به شناخت افراد واجد شرایط کرد. طبق برنامه‌ریزی‌ها و مشورت‌هایی که با امام خمینی صورت گرفت، مقرر گردید ماهیانه مبلغی برای این افراد در نظر گرفته شود (مراسان، شمارهٔ بازیابی ۱۱۰۴، شمارهٔ صفحه ۶۷)؛ شیخ فضل‌الله محلاتی نیز وکالت یافت تا به این وجوهات رسیدگی کنند و از این مبالغ، طبق دستور امام، بخشی را برای برطرف کردن مشکلات مالی خانواده‌های زندانیان به مصرف رساند (خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، ۱۳۷۶: ۸۲).

با آغاز مبارزات اسلامی و افزایش تعداد مبارزان و زندانیان سیاسی، رسیدگی به وضعیت معیشت خانواده‌های آن‌ها نیز مورد توجه روحانیت مبارز واقع شد. در سال ۱۳۴۳، علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی مورد بازجویی سازمان امنیت قرار گرفت. ساواک از طریق مطالبی که وی به آن اقرار کرده بود، به بخشی از فعالیت‌های جامعهٔ روحانیت یعنی کمک به زندانیان سیاسی پی برد. در گزارش ساواک به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۴۳، چنین آمده است:

در بازجویی که از اکبر هاشمی بهرمانی در مورخهٔ ۴۳/۱۲/۱۵ به عمل آمد، اقرار به نکاتی نموده که ذیلاً به استحضار می‌رساند:

در منزل مشکینی با حضور دو نفر به نام‌های ابراهیم امینی و حاج آقا مهدی، تصمیم گرفتند به خانواده‌های زندانیان کمک نمایند؛
در جلسات متعدد دیگر که در قم تشکیل شده و به منظور کمک به خانوادهٔ زندانیان بوده، شرکت نموده است؛

آقای بهشتی اصفهانی، مبلغ ۷۰۰ تومان به وی داده که به خانواده‌های زندانیان بدهد و اضافه نموده که کمک‌های دیگری هم وسیله خود آقای بهشتی از طرف آیت‌الله میلانی شده است (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۳۰/۱۳).

با اوج گیری مبارزات علیه حکومت پهلوی، دامنه فعالیت‌های روحانیت نیز گسترده‌تر شد، به طوری که در دهه پنجاه، صندوق قرض الحسنه روحانیت مبارز، کمک رسانی‌هایی را به طور منسجم‌تر انجام داد. طبق تصمیم‌گیری‌هایی که در جلسات روحانیون مبارز صورت گرفت، قرار شد اعضای جامعه یا از جانب خودشان یا با کمک‌هایی که از سایر مؤمنین می‌گیرند، مقادیری وجه نقد را ماهیانه بپردازند، تا یک جا جمع‌آوری گردیده و به خانواده‌های زندانیان سیاسی داده شود. طبق این تصمیم، آقایان ربانی شیرازی، ماهی ۵,۰۰۰ ریال، هاشمی رفسنجانی، ماهی ۵,۰۰۰ ریال، سید علی غیوری، ماهی ۴۰,۰۰۰ ریال، محلاتی، ماهی ۲,۰۰۰ ریال، دکتر باهنر، ماهی ۲,۰۰۰ ریال، لاهوتی، ماهی ۵۰۰ ریال، کاشانی، ماهی ۵۰۰ ریال، مهدوی، ماهی ۵۰۰ ریال، طاهری اصفهانی، ماهی ۱,۰۰۰ ریال و شیخ حسینعلی منتظری، ماهی ۱۰,۰۰۰ ریال پرداخت نمایند (مراسان، شماره بازیابی ۱۱۰۴، شماره صفحه ۶۷).

هنوز انبوهی از زندانیان سیاسی وجود داشتند که یا شناسایی نشده بودند یا امکانات لازم برای کمک رسانی به آن‌ها وجود نداشت، چنان که در یکی از جلسات جامعه روحانیت، ربانی شیرازی به وضعیت خانواده‌های مبارزین سیاسی پرداخت و توجه اعضا را به آن‌ها معطوف کرد و اظهار داشت: ما از بسیاری دوستان خود (مقلدین آقای خمینی) که در راه ایشان فداکاری کرده‌اند و زندان رفته‌اند، اطلاعی نداریم و عائله آن‌ها به وضع بدی زندگی می‌کنند. در صورتی که مردم به بعضی از زندانی‌ها کمک زیادی کرده‌اند. ما باید اولاً افرادی را که به زندان رفته‌اند، بشناسیم و بعد به طور عادلانه به عائله آن‌ها کمک نماییم (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۰۷۸/۲). طبق تصمیمی که در این جلسات گرفته شد، این وجوهات باید در فروردین ماه ۱۳۵۰ جمع‌آوری و به متصدی آن یعنی غیوری سپرده می‌شد تا به دست این خانواده‌ها برسد، بدین وسیله بخشی از مشکلات مالی این عده مرتفع شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۰۷۸/۲).

از دیگر اقدامات مهم و مؤثری که توسط اعضا صورت گرفت، تأسیس صندوق قرض الحسنه در فروردین ۱۳۵۰ بود که طبق مقررات وضع شده، هر عضو موظف بود هفته‌ای ۵۰ تومان پرداخت کند تا در مواردی نظیر بروز مشکل برای هر یک از اعضا، کمک‌رسانی به خانواده‌های

زندانیان سیاسی، شرکت در امور خیریه، برطرف کردن هزینه‌های نهضت و مواردی از این قبیل از آن استفاده شود (مراسان، شمارهٔ بازیابی ۱۱۰۴، شمارهٔ صفحه ۶۶).

در طول سال‌های مبارزه، جامعهٔ روحانیت به عنوان مهم‌ترین گروهی محسوب می‌شد که کار امداد رسانی به خانواده‌های زندانیان سیاسی را بر عهده داشت، و همواره سعی می‌نمود تا مشکلات مالی اعضای خود را حتی الامکان برطرف کند. از این رو برای برطرف نمودن این‌گونه مشکلات، جلساتی اختصاصی برگزار می‌شد. به گزارش ساواک، در یکی از این جلسات، جعفر شجونی به یکی از اعضا مبلغی داد، اما چون این شخص توان پرداخت پول آب و برق خود را هم نداشت، پانصد تومان دیگر نیز در اختیار او گذاشت؛ همچنین در جلسه‌ای دیگر، برای محی‌الدین انواری نیز مبلغی را در نظر گرفتند تا بین زندانیانی که وضع مالی مساعدی ندارند، تقسیم کند؛ نیز برای شیخ مهدی کربوبی جهت پرداخت بدهیش، مبلغی در نظر گرفته شد (مراسان، شمارهٔ بازیابی ۱۱۰۴، شمارهٔ صفحه ۷۰). این‌ها تنها نمونهٔ کوچکی از مساعدت‌های جامعهٔ روحانیت مبارز برای اعضای خود و فعالان سیاسی بود تا با فراهم شدن شرایط مساعد، میزان مقاومت‌شان را در مقابل فشارهایی که از سوی رژیم اعمال می‌شد، افزایش دهند.

در راستای برطرف نمودن مشکلات مالی روحانیون مبارز، اسناد دیگری نیز وجود دارد که با بررسی آن‌ها می‌توان از جزئیات این گونه اقدامات مطلع شد. در یکی از این اسناد چنین آمده است: اخیراً جلسه‌ای با شرکت شیخ علی اکبر هاشمی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، شیخ حسین کاشانی، شیخ فضل‌الله مهدی‌زادهٔ محلاتی، [محمدجواد] باهنر، شیخ حسن لاهوتی، محمد حسن طاهری اصفهانی و محمد رضا مهدوی کنی در منزل سید علی غیوری واقع در ابن بابویه تشکیل گردید. لاهوتی اظهار نمود: من مبلغ پنج هزار تومان بدهکارم که الآن طلبکارها در منزل نشسته‌اند. به هر کدام از افراد که گفت، هیچ کدام پول نداشتند. محمد رضا مهدوی، مبلغ چهار هزار تومان از صندوقی که ماهیانه هر کدام از اعضا ۵۰ تومان می‌پردازند، به عنوان قرض الحسنه به وی داد، که بعد از ماه صفر پرداخت نماید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۱۰۷/۲). در پایان جلسه، طبق تصمیم اعضا، این وجوه باید در فرودین ماه ۱۳۵۰ جمع‌آوری و به غیوری تحویل داده می‌شد (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱۵/۵۰۹).

شایان ذکر است در نیمهٔ دوم سال ۱۳۵۷ که انقلاب قدم‌های سریع خود را برای رسیدن به مقصود برمی‌داشت، روحانیت مبارز هم با جدیتی بیشتر در صحنه‌های انقلاب حضور داشت، که

البته از منظر ساواک، مخفی نماند. در یکی از گزارش‌های ساواک می‌خوانیم: «دکتر سیدمحمد بهشتی و عده‌ای دیگر از روحانیون طرفدار خمینی که تا کنون چند نفر از آن‌ها به اسم [آناخوانا]، شیخ علی اصغر مروارید، دکتر [محمد] مفتاح شناخته شده‌اند، در هفته، چند بار جلساتی دارند و با هماهنگی کردن نظریات خود، تصمیمات مقتضی راجع به تعطیلی بازار، هماهنگ نمودن فعالیت قشربون مذهبی، جمع‌آوری پول جهت کمک به طرفداران خمینی و ارسال پول برای خمینی، اعزام روحانیون افراطی به شهرستان‌ها برای تحریک مردم به نفع خمینی، کسب اخبار داخل کشور و اعلام سریع آن به خمینی را اتخاذ می‌کنند [آناخوانا]. چند نفر رابط را که یکی از آن‌ها تا کنون شناخته شده، شیخ مهدی کروی می‌باشد» (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۳/۳۴۸).

جامعه روحانیت با ایجاد شبکه‌ای منظم و منسجم سعی نمود تا کمک‌رسانی‌ها را به طور وسیع و هماهنگ به انجام رساند. با توجه به شواهد موجود، می‌توان گفت که آن‌ها به بخشی از اهداف خود نیز رسیدند و تعدادی از زندانیان از طریق کمک‌های مالی این گروه تا حدودی تأمین شدند.

۱. استفاده جامعه روحانیت مبارز از وجوهات شرعی در راستای فعالیت‌های فرهنگی
علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، جامعه روحانیت مبارز در امور اجتماعی-فرهنگی نیز دخالت‌هایی چشمگیر داشت، که نشان‌دهنده قدرت روزافزون آن‌ها بود. با تلاش جامعه، کتابخانه‌ای در منزل شیخ جعفر سبحانی دایر شد تا کتاب‌هایی مرتبط با نهضت در آن نگهداری می‌شد، و به متقاضیان به صورت امانت داده می‌شد. برای راه‌اندازی این کتابخانه نیز از کمک‌های افراد خیر استفاده گردید. یک چهارم از وجوهات جمع‌آوری شده، صرف خرید کتاب برای این کتابخانه می‌شد و نصف دیگر برای امور قرض‌الحسنه مصروف می‌گردید.

علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی طی سخنرانی در هیئت انصارالحسین در ۷ بهمن ۱۳۴۸، به این موضوع اشاره کرده و چنین اظهار داشت: «مثلاً هفته قبل، خانه شخصی را که به بانک بدهکاری داشت و می‌خواستند حراج کنند، از همین پول، اقساط عقب افتاده آن شخص، به بانک پرداخت شد، و از حراج منزلش جلوگیری به عمل آمد. بقیه پول‌های جمع‌آوری شده هم که یک چهارم می‌باشد، به عنوان صدقه، مصرف خرید نسخه بیماران و افراد بی‌بضاعت و مستمند خواهد شد؛

اما نحوه استفاده از کتابخانه بدین قرار است که کتاب‌های خریداری شده در منزل سبحانی می‌باشد، و علاقه‌مندان می‌توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۸ الی ۲۰ به منزل ایشان مراجعه و کتاب‌های مورد نظر خود را دریافت یا در همان محل مطالعه نمایند. «هاشمی در پایان سخنانش اظهار داشت: «خواهشی که دارم، این است که اولاً از این کتابخانه نهایت استفاده را بنمایید، و ثانیاً شما هم در پرداخت شهریه سهیم باشید و در این کار خیر شرکت کنید». این اقدام نیز یکی از مصادیقی بود که نشان از توجه جامعه روحانیت مبارز به امور فرهنگی داشت. پرداختن به فرهنگ و ارتقای سطح اطلاعات سیاسی توده مردم یکی از امتیازات جامعه روحانیت بود. در این دوره، گروه‌های مبارز مختلفی در جامعه با اصول و روش‌های متعدد فعالیت می‌کردند، که اکثریت این افراد، بیشتر توجه‌شان معطوف به مبارزه صرف بود تا افزایش آگاهی مردم؛ بنابراین روحانیت مبارز با انجام این گونه اقدامات ابتکاری یا برگزاری کلاس‌های فرهنگی - آموزشی در مساجد، توانست گوی سبقت را از سایر گروه‌ها و دسته‌های سیاسی برآید، و در اذهان عمومی، جایگاه ویژه‌ای به دست آورد.

۲. کمک‌رسانی به مناطق محروم کشور

بر اساس اسناد موجود، روحانیون مبارز با کمک‌رسانی‌های مستقل و بدون حمایت دولت به برخی از مناطق محروم کشور، موفق گردیدند از طرفی مردم مناطق مزبور را با مبارزین همراه کنند و از طرفی دیگر، خود را به عنوان تشکیلاتی منسجم به همگان بشناسند. علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه با نگارنده اظهار داشت: «این کمک‌رسانی‌ها مختص به منطقه خاصی نبود و در حد امکان به نیازمندان با اولویت خانواده‌های نیازمند که نان‌آورشان گرفتار فشار رژیم شاه بودند، کمک می‌شد».

عباسعلی عمید زنجانی در کتاب خاطراتش به موضوعی اشاره کرده که بعد از ۱۷ شهریور، مأموران ساواک به دنبال دستگیری وی و تفتیش منزلش، در زیر زمین خانه، حدود صد تا صدوپنجاه گونی برنج پیدا کردند. این برنج‌ها قرار بود که در کیسه‌های سه کیلویی ریخته شود تا فقرا و نیازمندیانی که به مسجد مراجعه می‌کردند، قرار داده شود. این گونه اعمال، خود باعث جذب قلوب می‌شد و بسیاری از مناطق فقیرنشین را با نهضت امام همراه می‌کرد. کشف این مقادیر برنج، بهانه‌ای به دست مأمورین ساواک داد تا عمید زنجانی را به جرم انبار و احتکار مورد

مؤاخذه قرار دهند (خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۱۹۲).
 در پی کمک‌رسانی به برخی مناطق محروم کشور، طی جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۴۸/۰۹/۲۷ در منزل شیخ حسین کاشانی برگزار شد، اعلام گردید که ۴۸ نفر از طلاب علوم دینی از کمک و مساعدت جامعه روحانیت جهت تبلیغ امور دینی به دهات اطراف مشهد فرستاده می‌شوند. بر همین اساس، عده‌ای از مؤمنین نیز به اینان کمک کردند. در همین جلسه، هاشمی‌رفسنجانی پیشنهاد کرد که به دهات اطراف تهران نیز تعدادی طلبه اعزام شود؛ همچنین پایان جلسه قرار شد که هر یک از اعضا نیز دویست تومان کمک پرداخت کنند (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱۵/۳۵۵-۳۵۶).

علاوه بر همه این‌ها، کمک‌های زیادی نیز به سایر مناطق محروم کشور از سوی جامعه روحانیت صورت می‌گرفت، که از جمله می‌توان کمک‌رسانی به مناطق سیستان و بلوچستان را نام برد که در طی دهه ۵۰ به دلیل کم‌آبی و خشکسالی، تحت فشار بودند و جامعه روحانیت مبارز به حمایت آنان پرداخت. این امدادها که مصادف با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بود، خود می‌توانست به نارضایتی مردم دامن زده و آن‌ها را به جرگه مخالفین بکشاند. در یکی از گزارش‌های ساواک چنین آمده است:

جلسه هفتگی روحانیون از ساعت ۷ الی ۱۰ روز پنج‌شنبه ۱۳۷۰/۰۳/۲۰ [۱۳] با شرکت مرتضی مطهری، شیخ [علی] اکبر هاشمی، شیخ حسین کاشانی، شیخ فضل‌الله مهدی‌زاده محلاتی، حسن لاهوتی، شیخ جعفر شجونی و شیخ محمد حسن طاهری اصفهانی در منزل شیخ محمدرضا مهدوی کنی تشکیل گردید. محلاتی عنوان نمود، وضع دهات بلوچستان و سیستان در اثر کم‌آبی خراب است و به مردم آن‌جا باید کمکی بشود. من بعضی از تجار را دیده‌ام و تا مبلغ دوازده هزار تومان قرار شده است بپردازند که با یک نفر دیگر از رفقا به زاهدان برویم، و چون ممکن است سازمان امنیت در زاهدان ما را تعقیب کند و بفهمد که برای چه کار آمده‌ایم، قرار است نامه‌ای از میرزا احمد آشتیانی، متولی مدرسه مروی بوسیله پسرش میرزا باقر به عنوان [ناخوانا] روحانی مقیم زاهدان گرفته [شود]، که اگر ما را در زاهدان تعقیب کردند، بگوئیم ما فرستاده آشتیانی هستیم. هاشمی گفت، این کار صلاح نیست و در این موقع که دولت جشن ۲۵۰۰ ساله می‌گیرد، شما می‌خواهید بگوئید وضع کشاورزان بد است؛ حتماً تحت [مورد] تعقیب قرار خواهید گرفت. مطهری جواب داد، شما لازم نیست تظاهر کنید و در میان

بازار راه بیافتید؛ به طور خصوصی به هر کس که کمکی می‌کند، تذکر بدهید و خیلی ساده و برای خدا، برای این که کسی متوجه نشود، کار کنید. کاشانی اظهار داشت اگر دو نفر روحانی به شهر کوچکی بروند، غیر از این که خود مردم موضوع را متوجه خواهند شد و عده‌ای بدون داشتن استحقاق کمک، پول‌ها را می‌گیرند و مستحقین را چیزی نمی‌رسد، اول باید به وضع آن جا رسیدگی و لیستی از اسامی افرادی که باید به آن‌ها کمک شود، تهیه و سپس اقدام لازم به عمل آید و قرار شد [در] جلسه بعد، در این باره تصمیم بگیرند (مراسن، شماره بازیابی ۱۱۰۴، شماره پرونده ۷۲).

در پی جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۵۰/۰۳/۲۷ تشکیل گردید، شیخ فضل‌الله محلاتی به عنوان نماینده به این مناطق اعزام شد تا مبلغی را که از افراد خیر جمع‌آوری شده بود، بین افراد بی‌بضاعت تقسیم کند: جلسه مذکور از ساعت ۷ الی ۹:۳۰ روز ۱۳۵۰/۰۳/۲۷ [در منزل شیخ جعفر شجونی با شرکت شیخ محمدرضا مهدوی کنی، شیخ [علی] اکبر هاشمی، سیدعلی غیوری، شیخ حسین کاشانی، محمد امامی کاشانی، شیخ حسن لاهوتی، نجم‌الدین اعتمادزاده و شیخ علی اصغر مروارید تشکیل گردید. ضمن صحبت معلوم شد شیخ فضل‌الله مهدی‌زاده محلاتی روز یکشنبه ۱۳۵۰/۰۳/۲۳ به زاهدان رفته است تا مبلغ پانزده هزار تومنی را که از افراد خیر جمع‌آوری کرده، بین زارعین بی‌بضاعت تقسیم کند (مراسن، شماره بازیابی ۱۱۰۴، شماره صفحه ۷۴).

شیخ فضل‌الله محلاتی توانست مبالغ مذکور را در میان مردم محروم سیستان تقسیم نموده و از طرفی دیگر با تلاش‌های صورت گرفته، حمایت روحانی بزرگی نظیر میرزا احمد آشتیانی را برای کمک‌رسانی به این مناطق جلب نماید: از ساعت ۷ الی ۹ روز پنج‌شنبه ۱۳۵۰/۰۴/۳ [جلسه‌ای با شرکت شیخ فضل‌الله مهدی‌زاده محلاتی، شیخ حسین کاشانی، شیخ محمد حسن طاهری اصفهانی، سید علی غیوری، شیخ محمدرضا مهدوی کنی و نجم‌الدین اعتمادزاده در منزل شیخ جعفر شجونی تشکیل گردید. «محلاتی ضمن صحبت درباره مسافرتش به زابل اظهار داشت: به اتفاق شیخی به نام دانش [ناخوانا] مبلغ پانزده هزار تومان پول به محل مذکور برده و به وسیله [ناخوانا] و سید محمدتقی حسینی، وجوه مزبور را بین مردم چند ده تقسیم کرده است. محلاتی افزود، در تهران با میرزا محمدباقر آشتیانی (پسر میرزا احمد آشتیانی) متولی مدرسه مروی، سیدرضی شیرازی، حسن سعید و سید هادی خسروشاهی، چند جلسه

تشکیل داده و تصمیم داریم اعلامیه‌ای به نام میرزا احمد آشتیانی درباره‌ی وضع مردم بلوچستان و سیستان منتشر نماییم. در اعلامیه قید خواهد شد وضع مردم این منطقه به علت نبودن آب، خراب است؛ البته زعمای مملکت به کارهای مهم و اساسی و ایجاد چاه‌های بزرگ توجه خواهند کرد، ولی فعلاً برای این که مردم گرسنه از دست نروند، باید به آن‌ها کمک لازم بشود؛ ضمناً شیخ محمد باقر آشتیانی با آیت‌الله سید احمد خوانساری برای همین منظور تماس گرفته، ولی خوانساری هیچ‌گونه اظهار نظری نکرده و جوابی نداده» (مراسن، شماره‌ی بازیابی ۱۱۰۴، شماره‌ی صفحه ۷۵).

با پیگیری‌های اعضای جامعه، آیت‌الله خوانساری نیز راضی به همکاری شد. در طی جلسه‌ی روحانیون مبارز، محلاتی اظهار نمود که شیخ محمدتقی فلسفی نزد آیت‌الله سیداحمد خوانساری رفته تا وی برای کمک به مردم محروم سیستان اقدام و همکاری کند. خوانساری نیز قول همکاری و وعده‌ی پرداخت یکصد هزار تومان به شیخ محمدتقی فلسفی داده است (مراسن، شماره‌ی بازیابی ۱۱۰۴، شماره‌ی صفحه ۷۸).

محلاتی در خاطرات خود در مورد این امدادها آورده است:

به اتفاق آقای حسینی زابلی - که بعد از انقلاب نماینده‌ی مجلس شد، و بعد هم در فاجعه‌ی هفتم تیر شهید گردید - به دهات زیادی رفتیم، و مردم را توی مسجد جمع می‌کردیم. بیچاره‌ها نه آب داشتند و نه زراعتی. فقط چند متر زمین را که می‌کنند، آبی پیدا می‌شد که گل آلود بود. آب را بیرون می‌گذاشتند ته‌نشین می‌شد و برای خوردن‌شان استفاده می‌کردند. صد و پنجاه هزار نفر از مردم کوچ کرده بودند، و بقیه هم که پول نداشتند، کنار جاده‌ها همین‌طور دسته‌های پنجاه نفری، صد نفری نشسته بودند که وسیله‌ای گیرشان بیاید و کوچ کنند. آن‌جا ما نفری ده تومان به این‌ها کمک کردیم؛ یعنی به هر خانواده‌ی پنج نفره، پنجاه تومان، خانواده‌ی هفت نفره هفتاد تومان و خانواده‌ی ده نفره، صد تومان. گزارشی تهیه کردیم و شب برگشتیم آمدیم زابلی. ظاهراً همان وقت بود که آیت‌الله طالقانی و بعضی دیگر از دوستان، آن‌جا تبعید بودند. شب را هم زابلی بودیم. من به آقای کفعمی گفتم، شما یک نامه‌ای به آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله آشتیانی بنویسید و گزارش کامل این‌جا را بدهید، که مردم چگونه در بدبختی به سر می‌برند. ایشان هم یک نامه سوزناکی نوشت. ما این نامه را آوردیم و به آقای خوانساری و آقای آشتیانی دادیم. کاری که من این‌جا کردم این بود که برای رادیو بغداد - که آن وقت علیه رژیم صحبت

می‌کرد- فرستادم تا برادرهایی که آن‌جا بودند مثل آقای دعایی بخوانند. چون وسیله‌ای دیگر برای آبروریزی رژیم در اختیار نداشتیم که مردم بدانند رژیم در حالی جشن [۲۵۰۰ ساله] را برپا می‌کند که ملت این طور گرسنه می‌میرند(خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، ۱۳۷۶: ۷۲). این کمک‌رسانی‌ها که توسط اقشار مذهبی و مخالف رژیم صورت گرفت، باعث توجه دولت به مناطق مزبور شد و مدتی بعد به دلیل فشارهایی که از خارج بر دولت ایران وارد آمد، تعدادی از وزرا برای بازدید از این مناطق اعزام گردیدند تا مقداری به وضع این مناطق رسیدگی کنند و همچنین از فشارهای جامعه بین‌الملل بکاهند(خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، ۱۳۷۶: ۷۳). مطرح کردن وضعیت اسفبار زندگی در مناطق دورافتاده‌ای نظیر سیستان بلوچستان، نشان از این داشت که بر خلاف ادعاهایی که از سوی حکومت درباره پیشرفت اقتصادی و ارتقای سطح زندگی افراد در کشور ارائه می‌شد، مناطق محرومی در کشور وجود داشت که از حداقل امکانات هم برخوردار نبودند. افزون بر این، در دوره مورد بحث، رژیم پهلوی در تکاپوی برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ثبات سیاسی و اقتصادی کشور را به جهانیان نشان دهد، بنابراین با اقدامات جامعه روحانیت، رژیم به نوعی مورد بازخواست جامعه بین‌الملل قرار گرفت و به افکار عمومی جهانی چنین القا شد که آن‌چه که شاه و حکومت از آن دم می‌زنند، با واقعیت جامعه ایران سازگاری ندارد. کمی بعد، دولت برای حضور خود در صحنه، عده‌ای را برای رسیدگی به منطقه زابل فرستاد.

۳. کمک به اعتصابیون در آستانه پیروزی انقلاب

یکی دیگر از اقدامات جامعه روحانیت مبارز، کمک به اعتصابیون شرکت نفت در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بود که همراه با گروه‌های وابسته به بازار، فعالیت‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام دادند. در جلسات جامعه روحانیت که عمده‌ترین تصمیمات انقلابی در آن‌جا گرفته می‌شد، این مسئله نیز مطرح، و بدین منظور، اعلامیه‌ای هم صادر شد و از مردم درخواست کمک گردید، و سخنرانان و خطبا نیز بر روی منابر اعلام کردند. به دنبال چنین حرکتی، سیل کمک‌های مردمی جاری شد و در هر یک از مساجد، مبالغ زیادی پول گرد آمد(خاطرات شیخ حسین انصاریان، ۱۳۸۲: ۱۶۳). علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، طی مصاحبه با نگارنده اشاره نمودند: برای هر چه بهتر شدن جریان این امدادها، به دستور امام، کمیته‌ای در تهران تشکیل

شد که به امور اعتصاب‌ها و هدایت کمک‌ها می‌پرداخت.

اقدام بعدی که باید از سوی روحانیون صورت می‌گرفت، رساندن این پول‌ها به اعتصابیون بود، و برای این کار، شیخ حسین انصاریان انتخاب شد (خاطرات شیخ حسین انصاریان، ۱۳۸۲: ۱۶۳)؛ همچنین در خلال اعتصابات برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و ممانعت از بازار سیاه، کمک‌های نقدی جمع‌آوری شد و کالاهای ضروری با قیمت بالا خریداری می‌گردید، و سپس زیر قیمت بازار بین مردم توزیع می‌شد (خاطرات شیخ حسین انصاریان، ۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۶۴).

مشارکت مردمی در سوخت‌رسانی به در منازل، ابتکار جالب دیگری بود که جوانان هر یک از محله‌ها با همکاری شعبه نفت محل، گاری حامل پیت‌های نفت را به در منازل می‌بردند، و بدین ترتیب با وجود اعتصابات شرکت نفت و محدود بودن ذخایر، بخش زیادی از مشکلات مردم برطرف می‌شد (خاطرات شیخ حسین انصاریان، ۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۶۴).

نتیجه‌گیری

جامعه روحانیت مبارز توانست با برنامه‌ریزی منسجم و برخورداری از حمایت‌های همه جانبه از سوی امام خمینی، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقدامات مهم و تأثیرگذاری را انجام دهد. این گروه ابتدا اقدامات مبارزاتی را به طور پنهانی انجام می‌داد، ولی با فراهم شدن شرایط مناسب و علنی شدن مبارزات علیه حکومت، با توجه به اساسنامه خود، به فعالیت در زمینه کمک‌های عام‌المنفعه پرداخت، و با اقدام‌هایی چون تشکیل صندوق قرض‌الحسنه، کمک به زندانیان و خانواده‌های مبارزین انقلاب، تلاش نمود که شعله‌های آتش مبارزات را روشن نگه دارد، تا مشکلات مالی مانع از پیشروی برنامه‌های انقلاب نشود؛ علاوه بر این، با شرکت در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر راه‌اندازی کتابخانه، کتاب‌های انقلابی خاص مبارزین را فراهم می‌کرد و در اختیار آن‌ها قرار می‌داد. روحانیت مبارز، جنبه دیگر فعالیت خود را به مناطق محروم اختصاص داد و بدین ترتیب در گسترش مخالفت‌های سیاسی علیه رژیم، نقشی بارز ایفا کرد. اعضای جامعه در اکثر تصمیم‌گیری‌های حیاتی، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، و زنه سنگینی محسوب می‌شدند.

منابع

الف. اسناد

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسن)، شماره بازیابی ۱۱۰۴.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسن)، شماره بازیابی ۸۶۷۰۲۵.

ب. کتاب‌ها

- پناهی، عباس (۱۳۷۸). *خاطرات موحدی ساوجی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حاجی بیگی کندری، محمد علی (۱۳۷۹). *روایتی از انقلاب اسلامی، خاطرات حجت الاسلام و المسلمین عمید زنجانی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقانی اشکذری، محمدرضا و حمید کرمی پور و رحیم نیکبخت (۱۳۸۲). *خاطرات حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین انصاریان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی، حمید (۱۳۷۸). *بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی (ج ۲)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*. تهران: روزنه.
- سلیمی، حشمت‌الله (۱۳۸۷). *مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۷). *زندگی و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین مصطفی ملکی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علیرضا ملائی توانی (۱۳۸۹). *زندگینامه سیاسی آیت‌الله طالقانی*. تهران: نشر نی.
- کردی، علی (۱۳۸۶). *جامعه روحانیت مبارز تهران از شکل‌گیری تا انشعاب*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۶). *خاطرات و مبارزات شهید محلاتی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- میردار، مرتضی (۱۳۸۲). *خاطرات علی اکبر ناطق نوری (ج ۱)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نیکبخت، رحیم (۱۳۸۴). *زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید دکتر محمد مفتح*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هاشمی‌رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۶). *دوران مبارزه، (زیر نظر مهندس محسن هاشمی) (ج ۱ و ۲)*. تهران: نشر معارف انقلاب.
- *یاران امام به روایت اسناد ساواک، آیت‌الله سید محمود طالقانی (ج ۱)*. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی و وزارت اطلاعات.
- *یاران امام به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۷)*. شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی.

تهران: مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
• **یاران امام به روایت اسناد ساواک** (۱۳۷۹). **محمد جواد باهنر**. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

ج. **مصاحبه‌ها**

• مصاحبه نگارنده با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۵.

د. **سایت‌های اینترنتی**

www.rohaniatmobarez.com

